



۲۰۱۳/۱۰/۱۴

دوکتور ص، سعیدی - سعیدافغانی

موافقتنامه امنیتی افغانستان - امریکا

منطق سخن، عقل سلیم، محللین سیاسی و نظامی به این باورند که در عصر امروز که جهان دارد خورد شده و فاصله های مسافتی با روی کار شدن تکنولوژی و تخنیک مدرن اعم از سلاح های پیشرفته و وسایل حمل و نقل سریع، میدیا و ... عملاً کم شده و در موارد از بین رفته و عملاً جهان به یک قریه ای کوچک مبدل شده و حوادث یک گوشه ای از قریه مسقیماً بر جانب دیگر این قریه تأثیر دارند، هیچ کشور از جهان حتی در صورتیکه تمام بودیجه خویش را مصرف مسایل امنیتی کند، نمی تواند امنیت خویش را به صورت مستقل تأمین و تضمین کند. مهمترین وسیله اساسی رسیدن به این هدف در عالم اسباب همان ایجاد روابط، توافقات و پیمان های دو جانبه، چند جانبه، منطقوی، بین المللی و جهانی اند.

حالت ایدیل و بهتر آن همان تضمینات و توافقات در چوکات سازمان ملل متحد است. اما می بینیم که میکانیزم و ساختار های این سازمان جهانی آنقدر فعال نشده که جوامع مختلف را درین عرصه به موقع کمک و مساعدت مؤثر نماید. سازمان ملل متحد حکومت بالای حکومت جهان نیست و صلاحیت این سازمان به همان اندازه است که کشورهای عضو به وی اعطاء میدارند. ساختار و طریق کار این سازمان، صلاحیت های شورای امنیت و خصوصاً صلاحیت های اعضای دایمی شورای امنیت سازمان ملل متحد، در موارد کار و مؤثریت به موقع این سازمان را در پهلوی سایر مشاغل اقتصادی و اداری این سازمان عملاً مورد سؤال قرار داده و در موارد زیاد بی کیفیت و غیر مؤثر بود و اعتماد بر آن را سخت بی باور ساخته است.

درین عرصه در پهلوی سایر تلاش های جوامع بشری، عقد و ضرورت عقد توافقات و از جمله توافقات دو جانبه، چند جانبه، منطقوی، بین کشور ها با شرایط مناسب، مفید و قابل قبول برای جوانب عقد قرار داد، کماکان به اهمیت و ضرورت خویش باقی می ماند و مهم اند.

دقیقاً و با صراحت کامل قابل درک و فهم است که در مسایل و مواضع سیاسی دشمن و دوست دایمی وجود ندارد و درین توافقات و داد و ستد ها مسأله خیر و خیرات نیست، بلکه مسأله منافع و مصالح اند و مطرح است که کی با کی در کدام مقطع زمانی و تأریخی منافع و مصالح مشترک دارند و درین منافع و مصالح امکانات و جوانب عملی کار کدام ها اند؟ راه های مشروع رسیدن به این توافقات و طرق وجوبیت توافقات حاصل شده کدام ها اند و چطور میتوان به آن رسید؟ این، سوالات و مسایل مشابه قابل دقت اند که درین راستا ضرورت به تمرکز دارد و عملاً ضرورت به اختراعات هم نیست. بجا و درست از تجارب گذشتگان استفاده مؤثر کرد و از قواعد جهانی و بین المللی درین راستا تا حدی زیاد استفاده برد.

معمولاً در توافقات دو جانبه و چند جانبه طرح ها توسط حکومت مطرح شده، هیأت ها و متخصصین فن با هم جلسات متعدد داشته، مسوده این توافقات را مورد بحث قرار داده و درین مرحله سند به نحوی تهیه می شود و در اختیار دولتمردان قرار می گیرد که بخش های معین آن برای نهایی سازی باید به دولتمردان صحبت و بحث صورت گرفته نهایی شود. دولتمردان آنرا متقابلاً به دیگر جانب و پارتنر ها پیشکش نموده و بعد از بررسی توسط متخصصین فن معمولاً از جانب سران کشورهای دو کشور و یا چند کشور امضاء شده و بعد از آن برای پارلمان کشورهای مربوطه جهت تصویب نهایی (راتیفیکیشن) پیشکش شده و بعد از تصویب (راتیفیکیشن) در مراجع معین بین المللی ثبت و راجستر میشود.

اما در حالت ما که جناب حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان امضای توافق امنیتی با ایالات متحده امریکا را قبل از امضاء به لویه جرگه ماکول کرده است موجب تمرکز بیشتر و ملاحظات چندی جدی در مورد مطرح است:

درین مقطع افواهاات زمینه سازی برای جاری نگه داشتن بوجی های پول ایران و یا مراجع دیگر همسایه افغانستان برای قصر ریاست جمهوری افغانستان، باز نگه داشتن امید های همسایه ها و رسیدن به خواسته های جناب حامد کرزی از جانب امریکا را کنار گذاشته به بحث جدی متمرکز می شویم.

اولاً لویه جرگه و موقعیت آن در نظام حقوقی افغانستان در فصل ششم (مواد ۱۱۰ تا ۱۱۵) قانون اساسی نافذ افغانستان، روشن و درج اند. به اساس این قانون اساسی طریق انتخاب و ترکیب اشتراک کننده های لویه جرگه، شرایط تدویر لویه جرگه چنان روشن اند که با مطالعه آن به یقین منظور جناب حامد کرزی مبنی بر دعوت لویه جرگه در رابطه به امضای سند امنیتی با ایالات متحده امریکا، تدویر و دعوت لویه جرگه تعریف شده در قانون اساسی کشور ما نیست و بوده نمی تواند.

مطابق به قانون اساسی (ماده ۱۱۰) لویه جرگه متشکل از رؤسای شورای های ولایتی، ولسوالی و ... در حالیکه این شورا ها در ظرف ۱۳ سال گذشته ایجاد نشد. که این مسأله در مشروعیت تصامیم لویه جرگه مطابق قانون اساسی، تعیین کننده است.

مطمناً رئیس جمهور حامد کرزی میتواند مطابق به مواد دیگر قوانین نافذ کشور جرگه های مشورتی، کمیته ها و ساختار های مشورتی ایجاد و بکار گیرد که تصامیم آن برای جناب شان در سطح مشوره قرار دارند و کدام وجوبیت از تصامیم اتخاذ شده آن برای شان و ملت بمیان نمی آید.

در حالیکه برخورد و مشی ایالات متحده امریکا در حالات مشابه مبنی بر مصونیت قضایی نیرو های امریکایی مبنی بر عدم امکان قرار گرفتن نظامیان امریکایی در محاکم غیر امریکایی روشن است و این روش و قاعده مطابق به قوانین امریکا بوده و بالاتر از صلاحیت رئیس جمهور امریکا تا درین زمینه تصمیم دیگر بگیرد.

درین صورت تدویر لویه جرگه افغانی به این منظور به چه مفهوم است؟

آیا مردم افغانستان پول اضافی برای مصارف اضافی دارند؟

اما منظور کسب وقت است؟

فشار و کار برای تطبیق مطالبات غیر مستقیم جناب حامد کرزی مبنی بر دادن تضمین هایی از جانشینی آقای حامد کرزی و تضمین هایی در مورد عدم پیگرد از تخلفات مالی بزرگ که در حاکمیت ۱۳ ساله جناب حامد کرزی صورت گرفته و یا چه عامل و دلیل دیگر از آنچه است که ظاهراً ارایه می گردد؟

در حالیکه این توافقنامه بعد از امضاء توسط شخص اول کشور باید توسط نمایندگان های انتخابی ملت خواهد گذشت.

ممکن یک حالت دیگر هم باشد که با فن و هنر خاص از همان ترک و چال غیر مجاز و غیر مشروع به نحوی قیاسی استفاده می شود. آن اینکه مستنطق از در مراحل اولی تحقیق قبل از اثبات جرم از متهم و مشکوک می پرسد:

سؤال: وقتیکه سرقت را اجرا کردی با مال مسروقه از در (باب) خارج شدی و یا هم از کلکین؟ در حالیکه متهم تا حال اصلاً به سرقت خویش اعتراف نکرده و مستنطق با چالاکي از راه خروج می پرسد. این نوع سؤال و تلاش برای گرفتن این نوع جواب از مسایل مجاز نبود و خلاف نورم های حقوقی اند. تا حال ملت در مورد ضرورت و عدم ضرورت این توافقنامه و قرار داد تصمیم نگرفته و جناب حامد کرزی در مورد تداق یک جزء قرار داد کشمکش و یاهم زرگری دارد.

جوانب عملی و طرز عملی تضمین های عدم مداخله کتبی جانب امریکایی در امور داخلی افغانستان و درین صورت تعریف و موجودیت این نیرو های خارجی در افغانستان و تعریف مشخص آن، تفاوت آن با پایگاه های نظامی امریکا در افغانستان و برخورد کشور های همسایه و خاصاً چین و روسیه به آن و انعکاسات آن در تشدی جنگ های نیابتی در افغانستان مسایلی اند جداً قابل دقت. تغییر و نرمش سیاست های امریکا در برابر ایران تحت تأثیر این قرارداد امنیتی امریکا و افغانستان و عدم موفقیت های جهان در سوریه مسایلی اند قابل دقت و تعمق.

ببینم وضع چگونه انکشاف خواهد کرد؟ گذشته از موجه بودن و عدم موجه بودن این قرارداد امنیتی که قبل از همه در اساس با ایجاد کردن شرایط موجود به عقد با شروط مناسب آن ضرورت داریم اما در اساس باید در محتوی آن باید منافع و مصالح افغانستان و مقابل را در مطابقت به منافع افغانی تضمین کند. در غیر آن مطابق به فرمول آقای جان کیری وزیر خارجه امریکا (۲۰۱۳/۱۰/۱۴) در رابطه توافق با ایران - امریکا که گفته اند: «... در صورت توافق بد در مورد برنامه انرژی اتمی ایران بهتر است اصلاً توافق نشود... جان کیری.»

فرمول فوق باید در رابطه به عقد و عدم عقد قرار داد امنیتی افغانستان و امریکا نیز مطرح و قابل توجه و استفاده گردد.

پایان

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دلېکنې دلېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خبر و لولئ